

تبیین تربیتی و روان‌شناختی توجه به صفات ذاتی خدا در دعای ابوحمزه ثمالی

عالیه حسینی^۱، هاجر ذبیحی^۲

چکیده

تربیت از مهمترین مسائل حیات بشری است که در اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به آن اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. دعای ابوحمزه ثمالی، منسوب به امام سجاد علیه السلام از دعا‌های پرمحتوا در منابع شیعی و سرشار از مضامین تربیتی و عرفانی است. این دعا با بیانی زیبا، زمینه‌ساز شناخت خداوند و تقویت ارتباط با اوست. پژوهش حاضر، مؤلفه‌های تربیتی و روان‌شناختی ارتباط با خدا در این دعا را با تمرکز بر شناخت صفات الهی (ذاتی و فعلی) و تأثیر این شناخت بر سلوک فردی و اجتماعی انسان بررسی می‌کند. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوا و کدگذاری مضامین دعای ابوحمزه ثمالی انجام شده است. با استناد به آیات قرآن، روایات و منابع روان‌شناختی، مؤلفه‌های ارتباطی انسان با خدا استخراج و تحلیل شده‌اند. رویکرد تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و حدیثی بهره‌گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل شناختی مانند شناخت صفات ذاتی الهی مانند رحمت، قدرت، فضل و... پایه‌های ارتباط با خدا را شکل می‌دهد و آثار روان‌شناختی آن شامل تقویت ایمان، آرامش روانی، افزایش تاب‌آوری و رشد ارزش‌های اخلاقی است.

واژگان کلیدی: تربیت، ارتباط با خدا، شناخت و معرفت خداوند، صفات ذاتی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی، قم، ایران.

Email: Sadat1991m@gmail.com

ORCID: 0009-0004-8365-1884

۲. مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zabihihajar@gmail.com

ORCID: 025-3594-0002-0000X

۱. مقدمه

قرآن، هدف بعثت پیامبران الهی را هدایت و تربیت انسان می‌داند. (ر.ک.، جمعه: ۲) ائمه اطهار و امامان معصوم نیز ادامه‌دهندگان دعوت آنها هستند. رهروان مسیر اولیای الهی، عالمان ربانی و مربیان، حرکت در مسیر تربیت انسان‌ها را وجهه همت خود قرار داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). برخورداری از پشتوانه متقن کلام الهی و سخنان معصومان که برگزیدگان الهی هستند بهترین منبع برای تعلیم و تربیت اسلامی است و هدایت بشر با اتصال به ثقلین هموار می‌شود. در آیات قرآن مانند آیه تطهیر و روایاتی که از رسول خدا ﷺ در منابع شیعه و سنی نقل شده است اعلی‌ت و مرجعیت امامان معصوم ﷺ در فهم و یادگیری معارف دین و سیر تربیت و هدایت بشر ثابت شده و مسلمانان مذاهب گوناگون را به این اصل مهم یعنی، مرجعیت علمی و هدایتگری اهل بیت ﷺ توجه داده است (تسخیری، ۱۳۸۳). امامان معصوم، مفسران برگزیده آیات الهی هستند که هر یک بنا به شرایط و اقتضائات زمان خود، مسیر تربیت انسان را با روش‌ها و شیوه‌های خاصی در پیش می‌گرفتند. امام سجاد ﷺ بنا به شرایط خفقان دوران خود، روش دعا را برای مسئله تربیت بشر اتخاذ کرده بود. یکی از دعا‌های منسوب به امام سجاد ﷺ دعا ابوحزمه ثمالی است که سرشار از مضامین عالی تربیتی و اخلاقی است و مؤلفه‌ها و عناصر مهم نظام تعلیم و تربیت اسلامی را شامل می‌شود.

تربیت به معنای انتخاب رفتار و گفتار مناسب و ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به مربی برای پرورش استعدادهای نهفته در تمام ابعاد وجودی برای رسیدن به هدف و کمال مطلوب، امری مهم در جوامع انسانی است که مکتب اسلام نیز به آن اهتمام فراوانی داشته است. پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ بزرگ‌ترین معلمان و مربیان در مکتب اسلام بودند که در تربیت اسلامی و هدایت افراد و اقشار مختلف جامعه اسلامی سعی فراوانی داشتند. آنها به شیوه‌ها و اشکال مختلف به تمام شئون تربیت پرداخته‌اند و توصیه‌هایی در مورد این امر خطیر داشته‌اند. به همین دلیل است که سیره و کلام ایشان نیز از مهمترین منابع تربیت اسلامی است.

دعا جایگاه ویژه‌ای در سلوک تربیتی اهل بیت و معصومین علیهم‌السلام دارد. بخش عظیمی از معارف تربیتی مکتب تشیع به دلیل شرایط ویژه اهل بیت علیهم‌السلام در قالب دعا منتقل شده است. این امر، اقتضای توجه ویژه به دعاها برای استفاده از این ذخیره تربیتی ارزشمند معصومین علیهم‌السلام را دارد. دعای ابوحمزه ثمالی، منسوب به امام سجاد علیه‌السلام یکی از همین دعاهاست که دربردارنده نکات متعددی در جوانب مختلف تربیت انسان و عوامل و موانع تربیت است.

شعبانلو (۱۳۹۵) در پایان نامه آموزه‌های تربیتی در دعای ابوحمزه ثمالی، آموزه‌های تربیتی در دعای ابوحمزه ثمالی را بررسی کرده است. در این پژوهش ابتدا به اهمیت دعا و آثار ارتباط با آن پرداخته، سپس نتیجه این ارتباط را رشد انسان و جامعه توصیف می‌کند و دعا را یکی از راه‌های تهسیل‌کننده در رسیدن به اهداف تربیت می‌داند. نویسنده، برخی از آموزه‌های تربیتی و اخلاقی در دعای ابوحمزه ثمالی مانند آثار تربیتی و روان‌شناختی دعا مانند توکل، توبه و...، آموزه‌های توحیدی و خواسته‌های انسان از خداوند مانند صبر، فرزند شایسته، خوف و رجا و... را بیان می‌کند، اما درباره عوامل و موانع تربیت در دعای ابوحمزه ثمالی مطلبی بیان نکرده است.

امین (۱۳۸۸) در کتاب آموزه‌هایی از دعای ابوحمزه ثمالی به ویژگی‌های انسان الهی، ارتباط انسان با خدا، موانع ارتباط انسان با خدا و نگاهی به معاد پرداخته است. این کتاب به طور کلی، انسان و ارتباطش با خداوند را بررسی کرده و دربردارنده نکات و مطالب مفیدی است که قسمت موانع ارتباط انسان با خدا تا حدودی برای پژوهش حاضر نیز مفید است، اما در این کتاب به طور اختصاصی به عوامل و موانع تربیت پرداخته نشده است.

صلواتی (۱۳۹۷) در مقاله شصت توشه عرفانی از دعای ابوحمزه ثمالی، ابتدا گوناگونی تربیت خداوندی و سپس ارتباط با خدا، توکل بر او و... را بررسی نموده است. نوع تحلیل و روش نگارش الگودهنده است، ولی این پژوهش نیز به عوامل و موانع تربیت نپرداخته است.

۲. ارتباط با خدا

ارتباط با خدا یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین ارکان تربیتی اسلام است. ارتباط صحیح و نیکو با پروردگار جهانیان باعث بهبود روابط انسان با خود و سایرین شده و صفات نیکو و پسندیده بسیاری را در انسان‌ها پدید می‌آورد. در قرآن آمده است: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ و [به یاد آر] هنگامی را که لقمان به پسرش درحالی که او را پند می‌داد، گفت: ای پسر، برای خدا شریک و هم‌تا قرار مده؛ زیرا شرک، ظلمی بس بزرگ است» (لقمان: ۱۳). لقمان که براساس فرموده خداوند، شخصی حکیم است ابتدای سخن خود به فرزندش و تعلیم وی را ارتباط حسنه با خدا قرار داده است و این نشان‌دهنده اهمیت این مسئله است.

۳. شناخت و معرفت خدا

اولین قدم در ارتباط با خداوند، بینش، معرفت و شناخت الهی است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ؛ شناخت خداوند سبحان، بالاترین شناخت‌هاست» (آمدی، ۱۳۶۶). اولین امری که از خردسالی باید به فرزندان آموزش داده شود ارتباط با خدا و تقویت باور خداشناسی در آنهاست. از نظر روان‌شناسان، شناخت به فرایند کسب، سازمان‌دهی و استفاده از معلومات ذهنی اطلاق می‌شود (پورافکاری، ۱۳۸۰). فلاول در تعریف شناخت می‌گوید: «شناخت در روان‌شناسی به فرایندهای روانی که ثمره ذهن انسان بوده و منجر به دانستن می‌گردد، گفته می‌شود. این فرایندها شامل یادآوری، ارتباط دادن، نمادسازی، طبقه‌بندی کردن، تجسم یا تصور، حل مسئله و تخیل و رؤیاپردازی می‌شود» (محسنی، ۱۳۸۲).

روان‌شناسان، شناخت را عالی‌ترین سطح پردازش اطلاعات می‌دانند. پس از شناخت، احساس و ادراک قرار دارد. از نظر قرآن، علومی که از ابتدای خلقت انسان با او متولد می‌شوند و همواره با اوست، جزو علومی است که به‌طور فطری در وجود انسان قرار دارد مانند خداشناسی، آشنایی با اسما و صفات الهی، موارد کلی درباره وحی و نبوت و.... خداوند براساس آیه ۳۰ سوره

روم که می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این سرشت الهی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است»، انسان را به‌طور فطری، توحیدی خلق کرده و رذیلت‌ها و فضایل را به نفس وی الهام کرده است. در حدیثی از امام باقر (ع) در مورد معنای این آیه و از معنای حنیفیه سؤال شد و ایشان این‌گونه پاسخ داد: «فَقَالَ هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ قَالَ فَطَرَهُمُ اللَّهُ عَلَى الْمَعْرِفَةِ؛ همان دین فطری که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ یعنی مردم را بر پایه معرفت و شناخت خدا آفریده است» (شیخ رضی، ۱۴۰۳ هـ.ق). پروردگار جهانیان هم شناخت خود را در سرشت و فطرت انسان قرار داده است و هم شناخت نیک و بد رفتار او را. آنچه در فرآیند آموزش و تربیت علوم اخلاقی و تربیتی به افراد القا می‌شود همان تأیید علوم فطری اوست (شجاعی، ۱۳۸۶). خداوند بشر را به‌گونه‌ای خلق کرده است که ذات او به‌سوی کمالات و خصوصیات تمایل دارد که منبع و منشأ تمام آنها شناخت خداوند و ارتباط با ذات اقدس الهی است (صانعی، ۱۳۸۲).

۴. آثار روان‌شناختی - تربیتی معرفت و شناخت خداوند

۴-۱. تقویت ایمان و باورهای دینی

شناخت خداوند در اسلام بر هر چیزی مقدم است و باعث تقویت ایمان و باورهای دینی انسان می‌شود. ایمان بدون شناخت، سست و زوال‌پذیر است، اما ایمان قوی، انسان را در برابر فریب‌های شیطان و گناهان مقاوم کرده و او را به‌سمت اطاعت از پروردگار و انجام اعمال صالح هدایت می‌کند. (کریمی، ۱۳۹۹) اسلامی (۱۳۶۸) در پژوهش خود دریافت که بین افسردگی و باورهای دینی دانش‌آموزان رابطه منفی وجود دارد. هرچه تقید به دین و انجام اعمال مذهبی بیشتر باشد به‌همان اندازه فرد از افسردگی دور خواهد بود. این باورها علاوه بر پیشگیری در صورت ابتلا به بیماری‌های روانی نقش درمانی نیز دارد و باعث بهبودی فرد می‌شود، البته

منظور، باوری عمیق و راسخ به دین است نه باورهایی که ظاهری پوشالی دارند؛ زیرا ایمان و باورهای افراد در یک سطح و درجه نیستند: «هُم دَرَجَتٌ عِنْدَ اللَّهِ» (آل عمران: ۱۶۳).

۲-۴. ایجاد آرامش و امنیت روانی

شناخت خداوند که تکیه‌گاه و حامی انسان است باعث ایجاد حس آرامش و امنیت روانی در افراد می‌شود. مؤمنان با تکیه بر قدرت و رحمت خداوند متعال از اضطراب‌ها و نگرانی‌های دنیوی و مشکلات روحی و روانی در امان خواهند بود و به آرامش و امنیت درونی دست می‌یابند. (محمّدی بختیاری، ۱۳۹۱) قرآن در مورد شناخت خدا و ایمان به او می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند ایمنی [از عذاب] برای آنهاست و آنان راه‌یافتگانند» (انعام: ۸۲). این امنیت علاوه بر امان از فشارهای روحی و روانی این دنیا و حس آرامش، امنیت از عذاب و فشارهای اخروی را نیز شامل می‌شود و حتی امنیت اجتماعی را نیز می‌تواند دربرگیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

۳-۴. تقویت عزت نفس و کرامت بخشی

در قرآن کریم به شناخت خداوند که خالق انسان است به صورت «فتبار من نور» (ر.ک.، نور: ۳۵) اشاره شده که باعث تقویت عزت نفس انسان می‌شود. کرامت از واژه کرم و به معنی عزت، شرافت و حریت (حسینی دشتی، ۱۳۷۶) و در مورد انسان‌ها به معنی آزادی اخلاقی با ریشه تکوینی است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم... و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم» (اسرا: ۷۰). پایه و زیربنای بهداشت و سلامت روان، اهمیت به کرامت ذاتی و آزادی انسان است. اسلام هرگز نمی‌پذیرد که عزت نفس به خواری شخص مبدل شود؛ زیرا حس حقارت، سرمنشأ تمام اختلالات روانی و اخلاقی خواهد بود (سالاری فر.، و همکاران، ۱۳۹۳). حضرت علی (ع) در مورد آثار منفی حقارت و عدم عزت نفس می‌فرماید: «هر کس نفسش خوار گردد به خیر و صلاح او امیدی نیست و نفس

پست از پستی‌ها جدا نمی‌گردد» (آمدی، ۱۳۶۶). در اسلام و آموزه‌های دینی، افراد با عزت نفس و آزاده، صفاتی مانند ایثار و گذشت (آمدی، ۱۳۶۶، ۱۲۶/۲)، حیا و عفت، پابندی به عهد و پیمان (آمدی، ۱۳۶۶، ۳۹۴/۱)، عدم دلبستگی به دنیا و دوری از شهوات و گناه را دارند که نشان‌دهنده سلامت روان آنهاست.

۴-۴. تقویت حس مسئولیت‌پذیری

شناخت پروردگار جهان که خالق و ناظم کائنات است باعث تقویت حس مسئولیت‌پذیری در انسان می‌شود. مسئولیت‌پذیری، توانایی پذیرش و پاسخ‌گویی و انجام کاری است که از کسی تقاضا می‌شود و شخص می‌تواند، بپذیرد یا رد کند. این حس در فرآیند رشد صحیح بشر شکل می‌گیرد. (رفعتیان، ۱۳۸۵) در کشورهای توسعه‌یافته، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان تلاش می‌کنند تا افراد از همان سنین کودکی، مسئولیت‌پذیر، کارآمد و مؤثر در جامعه بار آیند؛ زیرا سلامت روح و روان و شایستگی اجتماعی در گرو تربیت صحیح انسان‌هاست. بشر با علم به اینکه در قبال اعمال و کردار خویش مسئول است و باید به خداوند پاسخ‌گو باشد در انجام وظایف و تعهدات خود کوشا تر می‌شود و از انجام کارهای ناشایست پرهیز می‌کند.

۴-۵. توجه به معنای زندگی

شناخت خداوند، هدف غایی زندگی است و به انسان در فهم معنای زندگی کمک شایانی می‌کند. در اسلام و بینش توحیدی، زندگی به تولد تا مرگ محدود نیست و وقایع پس از مرگ را نیز شامل می‌شود: «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید با اینکه متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست» (توبه: ۳۸). (رجبی، ۱۳۸۰) انسان با علم به گذرا بودن این دنیا و وجود دنیای دیگر و توجه به هدف غایی حیات که قرب الهی و رسیدن به کمال است در انتخاب مسیر زندگی خود دقت بیشتری می‌کند. باور به زندگی پس از مرگ و توجه به معنای واقعی زندگی در حسابرسی اعمال،

توجه به پاداش و جزای اخروی، دوری از گناه، ایجاد آرامش و سازگاری با نظام هستی و با سایر انسان ها نقش مهم و اساسی دارد و مانع از انجام و گرایش به سمت اعمال پوچ و بیهوده می شود.

۵. شناخت صفات ذاتی خداوند و بررسی روان شناختی

امام علی (ع) در ابتدای دعای ابوحزمه ثمالی، با برشمردن صفات الهی به شناخت خداوند یعنی، خالق و مالک هستی تأکید می کند: «يَا مَنْ لَا يَعْرِفُهُ مُعْرِفُهُ وَلَا يَصِفُهُ وَاصِفُهُ وَلَا يُحَدِّدُهُ مُحَدِّدُهُ». شناخت صفات پروردگار همواره از دغدغه های اصلی دانشمندان و جویندگان حقیقت بوده است. این امر گامی بلند در مسیر معرفت خداوند متعال است. صفات به ویژگی ها و اوصاف هر موجود اشاره دارد. دکارت در مقوله معرفت به صفات خدا آورده است: «با شناختن خدا می توان صفات او را نیز تا آنجایی که با نور طبیعی قابل شناخت است، بشناسیم» (دکارت، ۱۳۷۶). منظور از نور طبیعی، محدودیت ذهن انسان است؛ زیرا شناخت عمق صفات بی پایان خداوند برای ذهن متناهی انسان امکان پذیر نیست. خداوند، آفریننده بی همتا، صفات کمالی بی نهایی دارد که هر کدام دریچه ای به سوی شناخت ذات پاک او می گشایند. درک این صفات، نه تنها به شناخت اجمالی خداوند منجر می شود، بلکه در پرورش اخلاقی و تعالی روح انسان نیز نقشی اساسی ایفا می کند و دریچه ای به سوی درک عمیق تر ذات الهی و جایگاه انسان در هستی می گشاید و مسیر تعالی و قرب الهی را روشن تر می کند.

صفات پروردگار، اقسام مختلفی دارد که یکی از آنها صفات ذاتی و صفات فعلی خداوند است. ذات در لغت به معنی حقیقت و نفس یک شیء است. (ابن منظور، ۱۴۱۶ هـ.ق) در اصطلاح علم فلسفه و کلام، صفات ذاتی، آن دسته از صفات کمال الهی را می گویند که در وصف ذات خداوند به آنها فقط تصور ذات پروردگار کافی است و از ذات وی سرچشمه می گیرند. در این صفات، مقابل آنها را نمی توان به خداوند نسبت داد مانند رحمت، علم، فضل و احسان. صفات فعلی، صفاتی هستند که برای درک آن، تصور ذات پروردگار و مخلوق او نیاز است. به عبارت دیگر، از رابطه خدا با مخلوقات انتزاع شده و به افعال خداوند نسبت داده می شود مانند خالقیت و

رازقیت خداوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷). صفات ذاتی، آن دسته از صفاتی است که از ذات الهی انتزاع می‌شود. این صفات را به این دلیل ذاتی نامیده‌اند که همواره با ذات الهی است و در انتزاع آنها نیاز به تصور موجودات دیگر نیست و ذات همواره منصف به آنهاست مانند علم، قدرت و حیات (عنایتی، ۱۳۹۰).

۵-۱. مهربانی و رأفت الهی

امام سجاد علیه السلام در فرازهایی از دعای ابوحمزه ثمالی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ خدا به شما بندگان همیشه مهربان است»؛ «وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ؛ نعمت بر خلق به واسطه رأفت و محبت نسبت به آنان پی‌درپی خواهد بود» و «الَّذِي أَوْجَبَتْهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ؛ تو بر ذات خویش رأفت و رحمت به بندگان را لازم کرده‌ای». یکی از صفات عالی پروردگار، مهربانی و رأفت اوست که در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام بسیار تأکید شده است. خداوند در قرآن کریم خود را با صفات «رحمن» و «رحیم» و «رأفت» معرفی کرده و بارها بر گستردگی و فراگیری رحمت خود تأکید می‌کند: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا... أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛... زیرا من بسیار توبه‌پذیر و مهربانم» (بقره: ۱۶)؛ «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ بعضی از مردم از جان خود در راه رضای خدا درگذرند و خدا با چنین بندگان، رئوف و مهربان است» (بقره: ۲۰۷). دلسوزی و مهربانی بسیار و کرم از معانی رأفت است. شفقت خداوند بر انسان‌های گناه‌کار و کرامت‌بخشی به بندگان نیکوکار یکی از مصادیق رحمت اوست. رأفت الهی به کامل‌ترین وجه ممکن در حق تمام موجودات از سوی پروردگار صورت می‌پذیرد (صداقت، ۱۳۸۸).

دوستی با پروردگار، نیازی معنوی در انسان‌هاست که دریافت محبت از سوی خداوند و ابراز علاقه به خدا را شامل می‌شود. این موضوع نقش چشمگیری در سلامت روان دارد و با شناخت و به‌کارگیری آن می‌توان باعث ارتقای بهداشت روانی افراد و جامعه شد. از نظر روان‌شناسی، نیاز به عشق و محبت در ارتباط با انسان‌ها مطرح شده است، اما در اسلام، اصل همه دوستی‌ها محبت و دوستی پروردگار است. کسانی که به خداوند عشق بورزند محبت و رأفت الهی شامل حال آنها می‌شود و خدا نیز آنها را دوست می‌دارد: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛

به زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند برمی‌انگیزد» (مائده: ۵۴). شناخت و باور به مهربانی و رأفت الهی، آثار روان‌شناختی و تربیتی متعددی در حیات افراد دارد و راهنمای مسیر تعلیم و تربیت دینی و کسب فضایل اخلاقی در انسان است.

۵-۱-۱. آثار مهربانی و رأفت پروردگار

اول، تقویت تعبد و اطاعت از پروردگار: دوستی و محبت با خدا محبت شخص را به سمت پرستش خالصانه می‌کشاند. امام صادق علیه السلام فرمود: «دوستی راستین باعث اطاعت می‌شود و دوستدار واقعی، مطیع محبوب خویش است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق). کسانی که با ایمان به رأفت الهی و دوستی با خدا عبادت می‌کنند از روی ترس از جهنم و به طمع بهشت نیست. بنابراین، سلامت روانی بیشتری دارند.

دوم، ارتقای سلامت روان: رأفت و مهربانی خداوند با سلامت و بهداشت روان افراد ارتباط مستقیمی دارد؛ زیرا باور و اعتقاد به اینکه خداوند مهربان و رؤوف است، می‌تواند به افراد آرامش خاطر دهد و اضطراب، نگرانی و ترس آنها را کم کند و مانع افسردگی افراد شود. مؤمنان ممکن نیست دچار خوف و ترس شوند؛ زیرا به خداوندی مهربان و قادر اعتقاد دارند و در بخشش و یاری اوشکی ندارند. (محمدی بختیاری، ۱۳۹۱) با تقویت این شناخت از راه مطالعه مطالب دینی، تفکر و تدبیر در آیات الهی، دعا و نیایش و انجام اعمال نیک می‌توان به سلامت روان خود و دیگران کمک کرد.

سوم، افزایش امید به زندگی: در نگرش انسان مؤمن و معتقد به رحمت و بخشش الهی نه تنها در روز رستاخیز اعمال و پاداش از بین نمی‌رود (ر.ک.، آل عمران: ۱۹۵)، بلکه در دنیا نیز تمام جهان هستی او را یاری خواهد کرد. شناخت و باور به مهربانی و لطف پروردگار، حتی در بدترین شرایط و سختی‌های زندگی به انسان‌ها امید به زندگی می‌دهد و آنها را در برابر مشکلات و چالش‌های موجود در زندگی مقاوم‌تر می‌کند و دل‌هایشان همیشه به نور امید روشن خواهد بود.

چهارم، تقویت روابط اجتماعی: بررسی و مطالعه مخلوقات و موجودات جهان هستی حاکی از ارتباط آنها با یکدیگر است و هرچه موجودی کامل‌تر باشد این ارتباط بیشتر و محکم‌تر است.

اسلام به روابط اجتماعی بسیار توجه دارد؛ زیرا روابط سالم در سلامت و کمال جامعه اسلامی نقش مهمی دارد. (آقایور، ۱۳۹۱) از جمله صفات خداوند که در این زمینه نقش اساسی ایفا می‌کند رأفت و مهربانی است. با الهام گرفتن از رأفت الهی و تجلی آن در رفتار می‌توان روابط اجتماعی را در سطوح مختلف از جمله خانواده، دوستان، جامعه و... تقویت کرد. اعتقاد به این صفات الهی، افراد را به رفتار مهربانانه با یکدیگر ترغیب می‌کند و باعث ایجاد حس اعتماد، دوستی و الفت میان مردم می‌شود؛ زیرا بعد اجتماعی از مهمترین ابعاد آفرینش انسان‌هاست. رسول اسلام ﷺ می‌فرماید: «مهربانی و دوستی مؤمن با مؤمن برای خدا از بزرگ‌ترین شعبه‌های ایمان است» (کلینی، ۱۳۸۶).

ایمان، شعب مختلف و شاخه‌های فراوانی دارد، اما براساس این حدیث، مهربانی و دوستی از همه آنها بالاتر است. (آقایور، ۱۳۹۱) بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که بیماران مبتلا به افسردگی در تعامل با دیگران بهبود می‌یابند و هرچه انسان‌ها در حمایت اجتماعی بیشتری باشند در دژ مستحکم‌تری در مقابل بیماری‌های روانی از جمله افسردگی خواهند بود. (آقایور، ۱۳۹۱) تقویت روابط اجتماعی، دوستی و محبت ورزیدن، نتیجه تجلی صفت رأفت و مهربانی خالق یگانه است.

۵-۲. توجه به قدرت الهی

یکی از فرازهای دعای ابوحمزه ثمالی این‌گونه است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُسْرَعَةً؛ خدایا من راه حاجت‌ها و نیازهای مخلوقات را به سمت تو باز می‌بینم». این فراز بیان‌گر توجه به قدرت بی‌نهایت ذات باری تعالی است. توجه به قدرت الهی که با نام ایمان به قدرت الهی نیز شناخته می‌شود مفهومی بنیادی در بیشتر ادیان و فرهنگ‌هاست که نقشی مهمی در تربیت انسان‌ها ایفا می‌کند. این مفهوم حاکی از باور عمیق به قدرتی عظیم و فراتر از انسان است که حاکم بر جهان آفرینش و تقدیر انسان‌هاست. قدرت، یکی از صفات خدا و به معنی این است که اگر قادر بخواهد، فعلی را انجام می‌دهد و اگر نخواهد، انجام نمی‌دهد. (سبحانی و رضایی، ۱۳۹۱) پروردگاری که قادر بی‌همتا و توانای مطلق است و کل مخلوقات از اول خلقت تا آخر توسط او

تأمین می‌شوند و اوست که با قدرت ابدی خویش جهان را اداره می‌کند و با عظمتی فراتر از درک و فهم بشر، صاحبان خرد و عقل را به حیرت درآورده است (صداقت، ۱۳۸۸).

۵-۲-۱. نتایج ایمان به قدرت الهی

اول افزایش تاب‌آوری: بشر پیوسته به حمایت از سمت دیگران نیازمند است. به همین دلیل به خانواده، دوستان و جامعه گرایش می‌یابد. در بسیاری از موارد، سختی‌ها و مشکلات زندگی با حمایت و یاری دیگران مرتفع می‌شود، اما گاهی انسان نیازمند قدرت و حامی فراتر از بشریت است. انیشتین می‌گوید: «همه صاحبان قدرت می‌میرند. از طرفی تمام انسان‌ها در زندگی خود با مشکلات و نواقصی روبه‌رو خواهند شد که به‌تنهایی قدرت مقابله با آن را نخواهند داشت. در این‌گونه موارد نیاز به یک قدرت ماورای انسانی حس می‌شود که در پیروزی بر سختی‌ها همواره او را یاری و حمایت کند» (انیشتین، ۱۳۴۲). اختلالات روانی در بیشتر موارد ناشی از احساس ناتوانی و نداشتن حامی قدرتمند و حس استیصال در موقعیت‌های سخت و چالش‌برانگیز زندگی است (سالاری فر.، و همکاران، ۱۳۹۳). ایمان به قدرت الهی در رویارویی با مشکلات و سختی‌های زندگی به انسان‌ها کمک می‌کند تا با تکیه بر قدرتی فرابشری، امید خود را حفظ کرده و با مشکلات مبارزه کنند. گالاتر (۲۰۰۶) می‌گوید: «اعتقاد به قدرت خداوند و تسلیم شدن در برابر او به انسان‌ها توانایی تحمل درد را داده و در مراحل دشوار و غیرقابل تحمل زندگی به آنها مقاومت و آرامش می‌بخشد».

دوم، کاهش اضطراب و افسردگی: یکی از بیماری‌های روانی شایع در عصر حاضر، افسردگی و اضطراب است. علایم این بیماری، گوشه‌گیری، عقده حقارت و بیهوده‌انگاری، نداشتن عزت نفس و نگرانی است. گمشده بشر در آموزه‌های اسلامی و بهداشت روانی، آرامش روح و روان و به بیان قرآن، اطمینان قلبی است (ر.ک.، رعد: ۲۸). انسان‌ها برای دستیابی به این آرامش و دوری از اضطراب، گاه تمام امکانات رفاهی را برای خود مهیا می‌کنند، اما هرچه تلاش می‌کنند به آرامش نمی‌رسند (سالاری فر.، و همکاران، ۱۳۹۳). وسایل رفاهی مادی، پاسخ‌گوی نیاز روانی انسان نیست و هرگز او را ارضا نمی‌کند و چنین شخصی همواره مضطرب و نگران و گاه مبتلا به

افسردگی است و بدون داشتن پناهگاه درونی محکم و قوی دنیا را پرتگاهی هولناک می‌داند (اقبال لاهوری، بی‌تا). ایمان به قدرت لایزال الهی به افراد آرامش و امنیت خاطر می‌دهد؛ زیرا منبع امنیت و آرامش، فقط خداست. بشر با علم به اینکه خدا حامی قدرتمند و پناهگاه اوست از استرس و اضطراب‌های ذهنی رهایی یافته و به آرامش روانی دست می‌یابد.

سوم، رشد ارزش‌های اخلاقی: اخلاق، رفتارهای ارادی متناسب با صفات نفسانی خوب و بد و کمال انسان‌ها را معرفی می‌کند (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳) و ارتباط مستقیمی با سلامت روان دارد. برخی از علمای اخلاق، موضوع آن را نفس انسان‌ها می‌دانند که بیان‌گر ارتباط گسترده این دو موضوع است. نراقی علت نابهنجاری و بیماری‌های نفسانی را انحراف از مسیر تعادل اخلاقی می‌داند (نراقی، ۱۴۴۲ ه.ق). برخی، اخلاق رذیله و زشت را علت بیماری روحی می‌دانند (کریمی مرزبان، ۱۴۰۰) و عالمان اخلاقی برای سیر در مسیر اعتدال و دوری از بیماری‌های روانی توصیه‌هایی دارند که به ابعاد گوناگون از جمله بعد شناختی انسان برمی‌گردد. شناخت و ایمان به قدرت الهی به افراد در فهم و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی کمک کرده و انسان را به تقوا و پرهیز از گناه رهنمون می‌کند. برخورداری از ارزش‌های اخلاقی مناسب از ویژگی‌های اساسی یک شخصیت سالم است. تمام انگیزه‌ها و نیروهای درونی چنین فردی در راه رضایت خالق قادر و ناظر بر اعمال قرار می‌گیرد. چنین فردی از انجام اعمال ناشایست خودداری می‌کند و خود را ملزم به انجام دستورات و شعائر اخلاقی می‌داند. بنابراین، در مسیر درست و منطبق بر ارزش‌های اخلاقی گام برمی‌دارد (سالاری فر.. و همکاران، ۱۳۹۳).

۵-۳. فضل و احسان

در قسمتی از دعا از فضل و احسان الهی صحبت شده است: «إِلَٰهِي رَبِّیَّتَنی فِی نِعْمَکَ وَإِحْسَانِکَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِی کَبِيرًا فَمَا مَن رَّبَّانِی فِی الدُّنْیَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ؛ پروردگارا تویی که در انواع نعمات و احسان، زمانی که کودک بودم مرا پرورش دادی و در بزرگی هم سربلندی و نام نیکو دادی، پس ای خدایی که مرا در دنیا به فضل و احسان و نعمات بی‌پایان پرورش دادی...». فضل در لغت به معنی زیادت در یک چیز، احسان و بخشش و جزو صفات پروردگار است که موجب

بخشوده شدن گنه کاران است (معین، ۱۳۹۱). فضل در اصطلاح به معنی برتری و رجحان است و در کل، همه نعمت‌هایی که خدا بر مخلوقاتش چه دوست و دشمن عطا کرده است را دربرمی‌گیرد (شریعت‌مداری، ۱۳۸۷). احسان به معنی نیکی، بخشش کردن (معین، ۱۳۹۱) و افضال (دهخدا، ۱۳۷۳) است؛ در قرآن به آن بسیار امر شده و پاداش احسان را بسیار بالا و عظیم دانسته است. احسان در اصطلاح به معنی انجام هر کاری به بهترین نحو ممکن و بدون هرگونه عیبی است که فقط برای خداوند انجام پذیرد (طباطبایی، ۱۳۷۵). شناخت صفت فضل و احسان خداوند نقش مهمی در فرایند تربیت بشر و پرورش فضایل اخلاقی در وی دارد.

۵-۳-۱. آثار شناخت فضل و احسان خداوند از نظر روان‌شناختی و تربیت

اول، تزکیه و رسیدن به کمال: فضل الهی، باعث تزکیه و به کمال رسیدن انسان می‌شود. خداوند در قرآن فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود هیچ کس از شما پاک نمی‌شد» (نور: ۲۱). این، یکی از اساسی‌ترین موهبت‌های الهی در مسیر زندگی و هدایت بشر است. فضل و رحمت الهی باعث می‌شود انسان از گناه و پلیدی‌ها نجات یابد و با استفاده از پیامبران درونی و بیرونی و امدادها و توفیقات ویژه به هدف نهایی کمال و قرب الهی دست یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴) آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «اگر انسان‌ها به حال خود رها می‌شدند و فضل و احسان پروردگار نبود به دلیل ضعف و نقص بشر، هرگز انسانی نمی‌توانست از فطرت خود استفاده کرده و با رام نمودن نفس خویش از شهوات رهایی یابد. در واقع فضل اوست که فطرت را شکوفا می‌سازد و باعث غلبه بر جهل و شهوت می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۷۷).

دوم، افزایش حس شکرگزاری: انسان، ماهیتی ستایش‌گر دارد و به تبع آن، متعهد به شکر و تلاش برای رسیدن به تکامل است. (جعفری، ۱۳۷۳) تمام مسلمانان با واژه شکر آشنایی دارند. شکر در نعمات به معنی شناخت بخشنده نعمت، پیدایش حالت خضوع و تواضع و استفاده از آن نعمت در مسیری که منعم می‌طلبد، است (گوهری، ۱۳۶۴). در قرآن کریم و نهج البلاغه چندین بار درباره صفت شکر صحبت شده است. خداوند شکر را باعث نجات انسان می‌داند (ر.ک.، اسرا: ۳). غزالی

در مورد شکر می‌فرماید: «شکر از مقام‌های عارفان و متشکل از سه چیز است: علم، حال و عمل. علم، دانش این است که نعمت فقط از منعم واقعی می‌آید. حال آن شادی و انبساط روانی و نشاطی است که پس از دریافت نعمت به انسان دست می‌دهد و عمل نیز قیام و رفتار نمودن با قلب زبان و جوارح، طبق هدف معطی و منعم می‌باشد» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷). شناخت فضل و احسان الهی، حس شکرگزاری را در فرد تقویت می‌کند. امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) تأثیر شکرگزاری بر سلامت روان را در فرازی از صحیفه سجادیه این‌گونه آورده است: «خدایا سلامت دل‌های ما را در یاد بزرگی خودت و آرامش و آسایش جسم ما را در شکر نعماتت قرار بده» (انصاریان، بی‌تا).

شکرگزاری به درگاه الهی، فرآیندی براساس فطرت و تنها راهکار تأثیرگذار در سلامت روانی و جسمی و پدیدآورنده رفتارهای هنجارگونه در افراد است که عده کمی موفق به انجام آن می‌شوند. انسان همواره باید با مشاهده نعمت‌های بسیاری که خداوند به او داده است شکرگزاری کند. با توجه به تفسیر خطبه‌های نهج‌البلاغه و براساس شیوه روان‌درمانی شکر، انسان با آگاهی از وجود بی‌پایان نعمات پروردگار، کوچک‌ترین اضطرابی از جانب پایان و محدودیت نعمت‌های الهی متصور نخواهد شد. (پارس، ۱۳۹۳) این امر، موجب افزایش رضایت خاطر و نشاط و شادی او می‌شود.

۵-۳-۲. ترویج صلح و محبت

در این عصر به اصطلاح متمدن و پیشرفته، مشکلات بشر رو به افزایش است. جنگ‌ها، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را با خطر روبه‌رو کرده و آنها را درگیر ناآرامی و تشویش روانی کرده است. نژادپرستی و برتری‌جویی‌های افراطی افراد باعث ایجاد کینه و نفرت و آسیب‌های روانی در اجتماع شده است. (محمدی بختیاری، ۱۳۹۱) صلح، مقوله‌ای مهم و حیاتی است و تا زمانی که علل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جنگ‌ها و اختلافات اجتماعی از بین نرود، صورت نمی‌پذیرد. صلح و محبت، دو مؤلفه اساسی برای داشتن جهان و جامعه‌ای بهتر هستند که در عمق جوامع بشری ریشه دوانده و عدم وجود آنها تاریکی و فنا را به دنبال دارد.

صلح از نظر جوامع اسلامی فقط رهایی از جنگ نیست، بلکه رفتار عادلانه‌ای است که در آن برای همگان فرصت‌های برابر وجود داشته باشد، هر انسانی به حق خود رسیده و با مظلوم، عادلانه و از روی محبت و احسان برخورد شود و متجاوزین به حقوق دیگران مجازات شوند. (تسخیری، ۱۳۸۴) امنیت، بنیان تفکر صلح است و کسی که به خدای منان معتقد بوده و فضل و احسان او را باور داشته باشد، احساس امنیت می‌کند. بنابراین، دیگران را حمایت می‌کند و با آنها تعاملاتی بهتر و بر مبنای صلح خواهد داشت (هوشنگ‌فر، ۱۳۸۸). شناخت فضل و احسان الهی، بنیان ترویج صلح و محبت در میان جوامع است. انسان‌هایی که به بخشندگی و عطای خداوند ایمان دارند نسبت به سایرین مهربان‌تر و بخشنده‌تر خواهند بود.

۶. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر با بررسی مضامین تربیتی دعای ابوحزمه ثمالی، جایگاه ارتباط با خدا به مثابه محور اصلی تربیت اسلامی بررسی شد. این دعا که از امام سجاد علیه السلام نقل شده سرشار از آموزه‌های عمیق تربیتی است و مؤلفه‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی را دربرمی‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شناخت خداوند و تقویت ارتباط با او، پایه‌ای‌ترین عامل در تربیت انسان است و آثار روان‌شناختی و اخلاقی متعددی را به همراه دارد. در پژوهش حاضر، شناخت صفات الهی، نخستین گام در تربیت اسلامی بوده و به آن تأکید شده است. دعای ابوحزمه ثمالی با بیان صفاتی مانند رحمت، قدرت، فضل و احسان الهی، انسان را به درک عمیق‌تری از ذات پروردگار رهنمون می‌کند. این شناخت، زمینه‌ساز تقویت ایمان، آرامش روانی، عزت نفس، مسئولیت‌پذیری و معناداری زندگی است. برای مثال، باور به رأفت و مهربانی خداوند، اضطراب و افسردگی را کاهش می‌دهد و امیدواری را در انسان تقویت می‌کند. همچنین، ایمان به قدرت بی‌نهایت الهی، تاب‌آوری افراد را در برابر مشکلات افزایش می‌دهد.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دعای ابوحزمه ثمالی بر چند عامل شناختی کلیدی در تربیت تأکید دارد که عبارتند از: شناخت صفات ذاتی خداوند مانند رأفت، قدرت، فضل و

احسان، به تقویت توکل و تعبد می‌انجامد و توجه به نعمت‌های الهی حس شکرگزاری و مسئولیت‌پذیری را در انسان بیدار می‌کند و نیز معرفت به هدف زندگی، انسان را از دلبستگی به دنیای فانی رها می‌کند و به سوی کمال الهی سوق می‌دهد. بررسی مضامین دعای ابوحمزه ثمالی حاکی از آن است که ارتباط صحیح با خداوند تأثیر عمیقی بر سلامت روان و رفتار انسان دارد؛ آثاری مانند کاهش اضطراب و افسردگی. همچنین ایمان به لطف و قدرت الهی، آرامش درونی را تقویت می‌کند و در تقویت روابط اجتماعی، الگوگیری از صفات الهی مانند مهربانی و احسان، تعاملات انسانی را بهبود می‌بخشد و نیز شناخت فضل و احسان خداوند، انسان را به سوی نیکوکاری و صلح‌طلبی سوق می‌دهد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (بی‌تا). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- * صحیفه سجادیه (بی‌تا). مترجم: انصاریان، حسین. تهران: نشر آیین دانش.
۱. آقابور، رضا (۱۳۹۱). تأثیر دین‌داری در ارتقای روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن ابی ذر نراقی، مهدی (۱۴۴۲). جامع السعادات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهایه فی غریب الحدیث والاثار. مصحح: طناحی، محمد محمود. قم: اسماعیلیان.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ه.ق). معجم مقاییس اللغة. مصحح: هارون، عبدالسلام محمد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۷. اقبال لاهوری، محمد (بی‌تأهق). احیای فکر دینی در اسلام. مترجم: آرام، احمد. تهران: انتشارات رسالت قلم.
۸. انصاری، محمدعلی (۱۳۸۸ ه.ق). رحمت جاری. مشهد: بیان هدایت نور.
۹. انصاریان، حسین (۱۳۸۳). تفسیر و شرح صحیفه سجادیه. قم: دار العرفان.
۱۰. انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
۱۱. انیشتن، آلبرت (۱۳۴۲). دنیایی که من می‌بینم. مترجم: سالکی، فریدون. تهران: انتشارات پیروز.
۱۲. پارس، اکبر (۱۳۹۳). شکر و دعا در روان‌درمانی و مشاوره براساس نهج البلاغه و سایر منابع اسلامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۰). فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۴. تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۴). ابعاد تمدنی میانه‌روی اسلام. نشریه اندیشه تقریب، (۳)، ۹-۲۰.
۱۵. تشکر، احمد (۱۳۸۷). رزق حلال از دیدگاه آیات و روایات. قم: صالحان.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). مبادی اخلاق در قرآن. قم: مرکز نشر اسرا.

۱۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. حاجی‌زاده میمنده، فاطمه.، زارع شاه‌آبادی، مسعود.، مروی، احمد.، و ابوترابی زارچی، نرگس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین دین‌داری و رضایت از زندگی در بین زنان سالمند شهر یزد. نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۸، ۱۹۱-۲۳۶.
۱۹. حجازی، محمدرضا (۱۳۸۲). ینایع الحکمه. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۰. حسینی حسین‌آباد، سیده فاطمه (۱۳۹۵). تبیین روان‌شناختی حالت خشوع و خضوع در نماز براساس ابعاد هوش معنوی. تهران: کنگره ملی نماز و سلامت روان <https://civilica.com/doc>
۲۱. حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۶). معارف و معاریف. قم: حجت.
۲۲. حسینی، سیدحمید (۱۴۲۲). منتخب میزان الحکمه. قم: دارالحديث.
۲۳. حسینی، سید معصوم.، و قدیری‌نژاد، سیده فاطمه (۱۴۰۲). راهکارهای قرآنی نیل به امنیت روانی فردی و کارکردهای آن در زندگی اجتماعی. نشریه مطالعات فرهنگی قرآن، سال اول، ۲(۱)، ۱۹۰-۱۶۵.
۲۴. حسن‌زاده، جعفر (۱۳۹۲). پرتو اجابت. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۵. دکارت، رنه (۱۳۷۶). فلسفه دکارت. مترجم: صانعی دره‌بیدی، منوچهر. تهران: الهدی.
۲۶. دیلمی، احمد.، و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۳). اخلاق اسلامی. قم: انتشارات معارف.
۲۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
۲۸. راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۶). مفردات الفاظ قرآن. محقق: داوودی، عدنان. بیروت: دار الشامیه.
۲۹. ربانی گلپایگانی، علی (۱۴۰۰). عقاید استدلالی. قم: نشر هاجر.
۳۰. رفعتیان، عبدالحسین (۱۳۸۵). مسئولیت‌پذیری. تهران: نشر قطره.
۳۱. رجبی، محمود (۱۳۸۰). انسان‌شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.
۳۲. رضی، محمد (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۳. زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. مصحح: هلالی، علی.، و شیر، علی. بیروت: دار الفکر.
۳۴. سالاری، محمدرضا، شجاعی، محمدصادق.، موسوی اصل، سیدمهدی.، و دیگران (۱۳۹۳). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. سبحانی، جعفر.، و رضایی، محمد (۱۳۹۱). اندیشه اسلامی. تهران: انتشارات معارف.
۳۶. شاهدی، لطفعلی.، و شاهدی، کیوان (۱۳۹۸). عوامل پیدایش و تقویت روحیه شکرگزاری از منظر قرآن و روایات. نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه. <https://civilica.com/doc/>
۳۷. شاملو، سعید (۱۳۸۲). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
۳۸. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶). نگاهی به شناخت از منظر فلسفه، روان‌شناسی و اسلام. نشریه علمی معرفت، ۱۹(۱)، ۸۱-۱۰۰.
۳۹. شریعتمداری، جعفر (۱۳۸۷). شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه. مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۰. صانعی، سیدمهدی (۱۳۸۲). بهداشت روان در اسلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۴۱. صداقت، سید علی‌اکبر (۱۳۸۸). مرموزات اسما. قم: انتشارات آیات اشراق.
۴۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۵). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۴۳. عسکری، ابوهلال (۱۴۰۰ ه.ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجدیده.
۴۴. غفاری، ابراهیم (۱۳۸۶). آیین نیایش. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۴۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۷). محجه البیضا فی تهذیب الاحیاء. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۶). اصول کافی. تهران: انتشارات اسوه.
۴۷. گوهری، سید اسماعیل (۱۳۶۴). شکر در قرآن، روایات و نهج البلاغه. تهران: ناشر کعبه.
۴۸. کریمی، علیجان (۱۳۹۹). راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن. نشریه افق تبلیغ، ۳(۱)، ۲۵-۴۰.
۴۹. کریمی، مرزبان (۱۴۰۰). بهداشت روانی در نگاه اسلام. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
۵۰. محمدی بختیاری، مصطفی (۱۳۹۱). نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن. قم: انتشارات زائر.
۵۱. عنایتی، سعیده (۱۳۹۰). صفات ذاتی خداوند. <http://shahrudi.parsiblog.com/Posts/475>.
۵۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۵۳. محسنی، نیک‌چهره (۱۳۸۲). نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد. تهران: پردیس.
۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). آموزش عقاید. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدا.
۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). سیری در نهج البلاغه، قم: مرکز مطبوعاتی دار التبلیغ اسلامی.
۵۷. معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۵۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۹). اسرار شریعت و منفع طاعت از نظر ملاصدرا. نشریه خردنامه صدرا، ۲۵(۱۰۰)، ۲۳-۳۲.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶۰. میرحسینی، سیداحمد (۱۳۸۴). دین و درمان افسردگی. نشریه پژوهش‌های فقهی، ۱(۳)، ۳۵-۵۰.
۶۱. میلانی‌فر، بهروز (۱۳۹۲). بهداشت روانی. تهران: قومس.
۶۲. نراقی، مهدی بن ابی‌ذر (۱۴۴۲). جامع السعادات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۳. نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۷). از خداآگاهی تا خودآگاهی و آثار روان‌شناختی آن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله علیه.
۶۴. هوشنگ‌فر، خجسته (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی صلح. تهران: جامعه‌شناسان.
۶۵. یزدانی رستاقی، فاطمه (۱۴۰۱). طاعت و آثار آن از منظر قرآن کریم. نشریه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی، ۱(۷)، ۱۸۷-۱۷۳.
۶۶. بی‌نام (۱۴۰۰). روزی حلال، آثار تربیتی رزق در بعد اجتماعی. نشریه امین یاوران، ۷(۲۴)، ۸۳-۱۰۳.

67. Kirkpatrick, L.A., & Shaver, P. R. (1990). Attachment theory and religion childhood at attachments, religious beliefs and conversion. Journal for the Scientific Study of Religion, 29(3), 315- 334.
68. Beck, R., & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The attachment to God inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of faith group differences. Journal of Psychology and Theology, 32(2), 92- 103.

